تمامی شروع ماه در احکام شب و روز ماه رمضان و احکام آنات ماه

شاگرد: فرض کنید رؤیت در ساعت دو بعد از ظهر باشد، ثواب تکوینی قرائت قرآن را هم برای او ملتزم می‌شوید؟

استاد: آن چیزی که عرض من است این است که شهر مبارک به‌عنوان شهر، یعنی آن قوسی که ماه دور می‌زند تا برگردد، تمام آن از حیث ساعات و آنات، ماه مبارک است. آنات برای او است. اما این‌که شب، چه زمانی شب ماه مبارک است؟ شب، حرکت وضعی زمین است، نه برای این قوس. زمین برای خودش می‌گردد و ماه هم دارد می‌رود. شما باید تطبیق دهید. شب و روز برای زمین است، شما می‌خواهید این شب را به تکه‌ای از زمان شهر مبارک در مسیر خودش نسبت دهید. این همان مسأله محاسبه می‌شود. پس ما دو نگاه داریم. هر دلیل شرعی‌ای که حکمی را برای آنات ماه مبارک می‌آورد، بعد از خروج قمر از تحت‌الشعاع حکم آنات می‌آید. هر حکمی که برای شب اول ماه است، باید شب اول ماه را تعیین کنید. هر حکمی که برای روز اول ماه است، روز را هم باید تعیین کنید. ولی احکامی که برای آنات ماه مبارک است، مثلاً چیزهای تکوینی ای غیرتکوینی؛ غلّت مردهٔ الشیاطین و ... برای ماه مبارک است. به‌عنوان لحظات نه به‌عنوان شب اول یا دوم، همه این‌ها ثابت است. آن چیزی است که عرض من است.

شاگرد: زوال سه نقطه است که در یک خط قرار می‌گیرند. خروج از تحت‌الشعاع که سه نقطه نیست. نور خورشید باید به ماه بخورد و به زمین انعکاس پیدا بکند.

استاد: درست است. و لذا است که می‌گوییم مستحیل است. زوال به‌راحتی محاسبه می‌شود اما آن نمی‌شود.

شاگرد: حال به زمین انعکاس پیدا بکند، اما این‌که به کدام نقطه زمین انعکاس پیدا می‌کند، افرادی دارد.

استاد: بله، نشد که این را مفصل عرض کنیم. ما در اینجا سه فرض داریم. شبیه اقتران سطحی و مرکزی که می‌گفتیم است. در اینجا هم اولین لحظه‌ای که ماه می‌آید، آیا طرف راست زمین که وقت طلوعشان است یا طرف چپ زمین که وقت غروب آن‌ها است، آن را می‌بینند؟ یا مرکز زمین؟ طبیعی‌ترین کار برای محاسبه کلی و وقتی با اجرام کار داریم، مرکز آن‌ها است. وقتی مرکز زمین به این نقطه می‌رسد؛ نقطه‌ای که اگر چشم شما دقیقاً در مرکز باشد یا سنسوری که شما در مرکز می‌گذارید تا کسب نور کند، هلال را می‌بیند. این طبیعی‌ترین کار برای محاسبه است.

شاگرد۲: وقتی زمین کروی است، مرکز آن را از کجا به دست بیاوریم؟

استاد: سطح آن را نمی‌گویم، بلکه مرکز حجم آن را می‌گویم. وقتی مرکز خورشید را می‌گویند، منظور مرکز حجم آن است. آن فرمایش شما درست است، سطح های دو بعدی منحنی، آن هم سطح متشابه نه بیضوی، هر کجای آن دست بگذاری مرکزش است. این مطلب قشنگ و خوبی است. اما ما فعلاً با حجم آن کار داریم. کره یک مرکز دارد که مرکز حجم است.

شاگرد: الآن می‌توان اینطور برداشت کرد که حضرت عالی شروع ماه را فازی می‌دانید؟ یعنی بحث‌های آثار تکوینی آن یک جور است. وجوب موم آن یک جور است.

استاد: نه، در متصرّم، ما فازی نداریم. در تکوینش فازی نداریم. در اینکه ما بخواهیم به آن برسیم حرفی ندارم. اما زمان متصرم وجود فی‌نفسه. آن به آن است. نمی‌شود گفت که آن آن فازی است. منطق فازی در آنات متصرم زمان معنا ندارد. اتفاقا کمّ متصل غیر قار از موارد بارز منطق دو ارزشی است. یعنی وجود فی‌نفسه. هر آن حکم خودش را دارد. بله به محض اینکه کمّ غیر قار را در فضا بیاوری و نگاشتش کنی، در فضای کمّ متصل قار، فازی می‌آید. مشکلی نیست. آنجا دیگر هندسه می‌کنید. ولی خود متصرم اینگونه نیست. لحظه‌ای است که ای هست ای نیست. در آن لحظه ای شهر مبارک فی علم الله تعالی ای داخل است که قبلش نبوده ای نیست. آن لحظه که آمد فی علم الله تعالی شهر مبارک شروع شده است. معنا ندارد بگوییم یک لحظه‌ای است که برای خدای متعال هنوز معلوم نیست. این ممکن نیست.

بازبینی #1
ایجاد شده 5 ژوئیه 2026 19:59:25 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 ژوئیه 2026 20:00:32 توسط ... .